

تأثیر علم در عزت و اقتدار حکومت از منظر قرآن و نهج‌البلاغه با تأکید بر

حدیث «العلم السلطان»

طیبه زارعی*

استادیار گروه معارف، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

صدیقه مهدویان‌پور

استادیار گروه معارف، واحد دشتستان، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

چکیده

ارزش و جایگاه علم در پیشرفت، اقتدار و عزت حکومت‌ها بر کسی پوشیده نیست و نزول اولین آیات قرآن پیرامون علم‌آموزی، نشان از اهمیت دانش در زندگی دارد. علم و دانش با تمام جوانب زندگی مرتبط است و برتری علمی و حرکت در مرزهای دانش، سبب قدرت و عزت بیشتر است. در نهج‌البلاغه دانش از عوامل عزت و اقتدار دانسته شده است. هدف پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای انجام شده است، بررسی تأثیر و نقش علم با تأکید بر حدیث «العلم السلطان» در عزت و اقتدار حکومت از دیدگاه نهج‌البلاغه است. نتایج نشان می‌دهد که علم و دانش از مبانی و اصول اساسی عزت و اقتدار حکومت بوده و در نهج‌البلاغه نیز امام علی (ع) دانش و آگاهی را عامل پیروزی بر دشمن، علم را ابزار قدرت و حکومت را در زمینه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، در پرتو علم و دانش، توانمند می‌داند تا بدین وسیله عزت و اقتدار خود را حفظ و ارتقا دهد.

واژگان کلیدی: علم و دانش، عزت ملی، اقتدار ملی، حکومت، قرآن، نهج‌البلاغه

* نویسنده مسئول: Tayebbeh.zareie@iaui.ac.ir روش ارجاع به این مقاله: زارعی، طیبه و مهدویان‌پور،

صدیقه؛ (۱۴۰۴). تأثیر علم در عزت و اقتدار حکومت از منظر قرآن و نهج‌البلاغه با تأکید بر حدیث «العلم السلطان»،

۱- مقدمه

اهمیت علم و دانش در زندگی انسان بر کسی پوشیده نیست و انسان پیوسته به دنبال افزایش آگاهی، علم، معرفت و دانش خویش بوده است تا بتواند راه سعادت و تکامل خویش را پیدا کرده و آینده را همان‌گونه که می‌خواهد بسازد. در دین اسلام علم و دانش از ارزش بسیار زیادی برخوردار است و بی‌شک عامل اصلی پیشرفت مسلمانان و تولیدات علمی آن‌ها، دین اسلام و آموزه‌های آن بوده است (بهنیافر، ۱۳۸۸) که مسلمانان را تشویق و ترغیب به علم‌آموزی می‌کرد و طلب آن را یک فریضه می‌دانست. چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «طلب علم بر هر مسلمانی واجب است» (کلینی، ۱۳۶۳).

اسلام مکتب الهی و استوار بر علم و دانش، مسلمانان را به دانش‌اندوزی توصیه می‌کند. احادیث و روایات بی‌شماری از نبی اکرم (ص) و ائمه علیهم‌السلام - درباره فضایل علم و دانش وجود دارد. به جرئت می‌توان گفت که در هیچ یک از ادیان و مکاتب به‌اندازه اسلام، بر کسب معرفت و آگاهی یا دانش‌اندوزی و ژرف‌نگری در زندگی تأکید نشده است. با مطالعه منابع اصلی اسلامی یعنی قرآن کریم و احادیث پیامبر (ص) می‌توان دریافت که خداوند و اولیای او پیوسته، مؤمنان، کافران، مشرکان و حتی پیروان دیگر ادیان را بر خردمندی و کسب معرفت علم و دانش دعوت می‌کند. خداوند نه تنها از مؤمنان خواهان ایمان کورکورانه نیست. بلکه خداشناسی و ایمان را حاصل تعقل و علم‌ورزی می‌داند. اگر آنچه را که در آیات و اخبار درباره فضیلت علم و دانش و معرفت آمده بدون هیچ تفسیر و توضیحی کنار هم قرار دهند، کتاب یا کتاب‌هایی را تشکیل خواهد داد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۶).

امروزه دارا بودن علم و دانش، اطلاعات، آگاهی و نوآوری از عوامل اصلی اقتدار، عزت و پیشرفت تلقی می‌شود و شکی نیست که بین تحقق اقتدار، عزت و پیشرفت، و استفاده از علم و دانش و بهره‌بردن از آن‌ها نسبت منطقی وجود دارد (سجادی، ۱۳۸۲).

دستیابی به دانش و تکنولوژی در واقع دستیابی به قدرت و عزت بیشتر است. چرا که در شرایط کنونی جهان، کشوری که زودتر به یافته‌های نوین علمی دست یابد، می‌تواند آن را در راستای توسعه علوم دیگر و رشد فناوری و قدرت خود مورد استفاده قرار دهد و عزت و اقتدار خویش را افزایش بخشد. حضرت علی (ع) بی‌سواد و نادانی را نکوهش و دانایی و سواد را مورد ستایش قرار داده است (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲).

علم و دانش با اقتدار و عزت فردی - اجتماعی، رابطه‌ای مستحکم دارد یعنی با افزایش علم و دانش، عزت و اقتدار و پیشرفت نیز افزایش می‌یابد. امروزه یکی از ملاک‌های بسیار مهم و پایه در توسعه‌یافتگی و عقب ماندگی را، ملاک علم و دانش می‌دانند چه کشوری که سطح بالایی از تولید و مدیریت دانش را دارا باشد، در شاخص‌ها و مؤلفه‌های گوناگون زندگی شهروندان و حاکمیت آن از اقتدار و عزت بالاتری برخوردار است و همگان اذعان دارند که علم و دانش باعث افزایش عزت و اقتدار حکومت‌ها می‌گردد. به عبارتی علم و توانمندی علمی یعنی قدرتمندی بیشتر و حضرت علی (ع) در تعبیری زیبا فرمودند: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالًا وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلًا عَلَيْهِ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴) یعنی «دانش، قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و پیروز شود، و هر که آن را نیابد بر او یورش برند» و این بدین معناست که قدرت از راه دانش و علم عبور می‌کند زیرا دانایی، توانایی و قدرت به همراه دارد و در طول تاریخ، پیشرفت تمدن‌ها، رشد فناوری‌ها و توسعه در سایه علم صورت گرفته است و بدون تردید نزول اولین آیات قرآن در مورد علم و دانش نشان از اهمیت و جایگاه آن در زندگی و توانمندی انسان‌ها است که خداوند به صورت ویژه مسلمانان را مورد توجه و خطاب قرار داده است.

در موضوع رابطه علم، دانش با قدرت و عزت فردی - اجتماعی تحقیقات، کتب و مقالات، مطالعات متنوعی نگاشته شده است و پژوهشگران از جنبه‌ها و جوانب مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. به عنوان مثال رحیمی راغب و قیم (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان

«جایگاه علم و علم‌آموزی در اسلام» به بررسی اهمیت و جایگاه علم در اسلام و قرآن و نقش عالمان و اندیشمندان پرداخته‌اند. در مقاله‌ای دیگر سعادت‌نیا و همکاران (۱۳۹۲)، با عنوان «راهکارهای ارتقاء عزت و اقتدار امت‌های اسلامی از منظر قرآن کریم (نقش تجربه و خردگرایی)» به بررسی توصیفی تأثیر علم و عقل در استقلال، قدرت و عزت یک جامعه با توجه به شواهد قرآنی و تاریخی مربوط به موفقیت پیامبر (ص) در این رابطه و ارائه راهکار پرداخته‌اند. موسوی زارع و همکاران (۱۳۹۶)، نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل جایگاه علم‌وفناوری در قدرت ملی» به بررسی اثرات علم‌وفناوری در تقویت ابعاد مختلف منتهی و اثرگذار بر عزت و اقتدار ملی پرداخته‌اند.

با توجه به اینکه در قرآن و نهج‌البلاغه پیرامون علم و دانش و اهمیت آن در جوانب مختلف زندگی از جمله عزت و اقتدار، دستورها و نکات فراوانی بیان شده است که آگاهی از این دستورها و عمل به آن‌ها می‌تواند نتایج بسیار مفید و مؤثری در عزت و اقتدار کشور و حکومت داشته باشد، مسئله اصلی پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی با استناد به منابع کتابخانه‌ای و مروری انجام شده، این است که نقش و جایگاه علم و دانش با محوریت حدیث شریف «العلم السلطان» حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه در عزت و اقتدار حکومت چگونه است؟

۲- چارچوب نظری

۲-۱) تعریف علم و اقسام آن

علم (Science) یکی از بنیادی‌ترین دستاوردهای بشری است که از دیرباز همواره محل بحث و تعریف بوده است. هرچند تعریفی واحد و همگانی از علم وجود ندارد، اندیشمندان گوناگون در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی و معرفت‌شناسی کوشیده‌اند چارچوب‌هایی برای فهم چیستی و انواع علم ارائه دهند.

کارل پوپر (Popper, ۱۹۵۹) علم را مجموعه‌ای از فرضیه‌ها و نظریه‌ها می‌داند که باید همواره در معرض ابطال‌پذیری قرار گیرند. به باور او، ویژگی اصلی علم، قابلیت آزمون و رد شدن آن است؛ بنابراین علمی که قابل ابطال نباشد، در واقع علم محسوب نمی‌شود.

در مقابل، توماس کوهن (Kuhn, ۱۹۶۲) علم را نه صرفاً فرایندی عقلانی، بلکه فعالیتی اجتماعی و تاریخی می‌داند. او در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» بیان می‌کند که علم در بستر «پارادایم‌ها» رشد می‌کند و تغییر پارادایم‌ها موجب دگرگونی بنیادین در تعریف و قلمرو علم می‌شود.

از دیدگاه رابرت مرتن (Merton, ۱۹۷۲)، علم یک نهاد اجتماعی است که بر چهار هنجار اصلی استوار است: جهان‌شمولی، اشتراک‌پذیری، بی‌طرفی و تردید سازمان‌یافته. بر این اساس، علم نه تنها مجموعه‌ای از گزاره‌ها و نظریه‌ها، بلکه یک نظام ارزشی اجتماعی است.

از منظر جان دیویی (Dewey, ۱۹۳۸) علم روشی برای جست‌وجوی حقیقت از طریق تجربه و مشاهده نظام‌مند است. او تأکید می‌کند که علم فرایندی پویا و مستمر است که با حل مسائل واقعی در زندگی بشر معنا پیدا می‌کند.

دانشمندان علوم فلسفی و اجتماعی، علم را به گونه‌های مختلف دسته‌بندی کرده‌اند: الف. علم نظری^۱: دانشی که هدف اصلی آن کشف قوانین و اصول کلی طبیعت یا جامعه است. ریاضیات و فیزیک نمونه‌های برجسته این نوع علم‌اند (Popper, ۱۹۵۹).

^۱-Theoretical Science

ب. علم تجربی^۱: دانشی که مبتنی بر مشاهده و آزمایش است و داده‌های حسی و عینی را مبنا قرار می‌دهد. علوم طبیعی مانند شیمی و زیست‌شناسی در این دسته جای می‌گیرند. (Kuhn, ۱۹۶۲)

ج. علم کاربردی^۲: دانشی که برای حل مسائل عملی و بهبود زندگی انسان به کار می‌رود، مانند مهندسی یا پزشکی. (Dewey, ۱۹۳۸)

د. علم انسانی و اجتماعی^۳: دانشی که به مطالعه رفتارها، فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد، مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی. (Merton, ۱۹۷۳)

هـ. علم فلسفی یا انتزاعی: دانشی که به پرسش‌های بنیادین درباره حقیقت، وجود، و معرفت می‌پردازد. فلسفه علم در این دسته جای دارد. (Chalmers, ۱۹۹۹)

به طور کلی، علم را می‌توان نظامی دانست که با روش‌های عقلانی، تجربی و اجتماعی، در پی کشف حقیقت و سازمان‌دهی دانش بشری است. هر یک از دانشمندان بزرگ با نگاه خاص خود، بر جنبه‌ای از علم تأکید کرده‌اند: پوپر بر ابطال‌پذیری، کوهن بر پارادایم‌ها، مرتن بر هنجارهای اجتماعی، و دیویی بر حل مسائل عملی؛ بنابراین، فهم جامع از چیستی علم تنها در گرو ترکیب این دیدگاه‌ها و پذیرش چندبعدی بودن آن امکان‌پذیر است.

۲-۲) حکومت و حکمرانی اسلامی

حکومت و حکمرانی از جمله مفاهیم اجتماعی و سیاسی مهم در جوامع هستند که از ابتدای زندگی انسان و در طول تاریخ همیشه مورد توجه بوده و حاکمان و دولتمردان تلاش داشتند تا بهترین شیوه را برای اتخاذ و اجرای آن انتخاب کنند (عباسی دره‌بیدی و افضل، ۱۴۰۲). حکومت در لغت به معنای فرمانروایی و حکومت‌کردن است و از ریشه

۱-Empirical Science

۲-Applied Science

۳-Human and Social Sciences

عربی حَکَمَ به معنای دستور دادن و قضاوت کردن آمده که در اصطلاح نیز به معنای ساختاری است که یک جامعه توسط آن اداره می‌شود. حکمرانی شامل مجموعه‌ای از شیوه‌ها و روش‌ها و نهادهایی است که در چارچوب دستورالعمل‌های خاص یا همان حکومت برای پیاده‌سازی قدرت در جنبه‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد تا مدیریت کلیه مناسبات کشور اجرا و یا در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری شود. حکومت و حکمرانی طبقه‌بندی‌های مختلفی دارد که از جمله آن‌ها حکومت اسلامی است که توسط حاکم جامعه اسلامی با نام «امام» یا «رهبر» انجام می‌گیرد. از نگاه امام علی (ع) حکومت و حکمرانی در جامعه اسلامی ویژگی الهی دارد و با نگاه دنیامدارانه و قدرت‌محور تفاوت دارد و امانتی است که از جانب خداوند به برخی از بندگان عطا می‌شود.

آنچه به آن باید دقت شود نیاز همه حکومت‌ها و حاکمان به علم و توجه به پیشرفت در علوم مختلف است. زیرا علم نقش مهمی در بهبود کارایی سیستم حکومتی دارد. در حکومت اسلامی نیز علم باعث درک عمیق‌تر اصول و معارف اسلامی، اجرای بهتر قوانین، تحلیل مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، تأمین رفاه و پاسخگویی دانش‌محور به درخواست‌های شهروندان است و این امر برای آنان عزت و قدرت را به همراه خواهد داشت.

۲-۳) قدرت و عزت ملی و شاخص‌های آن

قدرت از بنیادی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که از گذشته تا امروز همواره اندیشمندان بدان توجه داشته‌اند. در ساده‌ترین تعریف، قدرت به معنای توانایی یک بازیگر برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران یا کنترل منابع و نتایج است. البته رابرت دال (Dahl, ۱۹۵۷) قدرت را «توانایی الف در واداشتن ب به انجام کاری که ب در غیر این صورت انجام نمی‌داد» تعریف می‌کند. این تعریف بر بُعد اجبار و نفوذ مستقیم تأکید دارد.

اما نگاه گسترده‌تر به قدرت، تنها محدود به اجبار یا نیروی نظامی نیست. جوزف نای (Nye, ۱۹۹۰) میان «قدرت سخت»^۱ و «قدرت نرم»^۲ تمایز قائل می‌شود. قدرت سخت مبتنی بر توان نظامی و اقتصادی است، درحالی‌که قدرت نرم ریشه در جذابیت فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و توانایی اقناع دارد. ترکیب این دو شکل قدرت، آنچه نای «قدرت هوشمند» می‌نامد، ابزاری مؤثر در سیاست خارجی کشورها به شمار می‌رود.

در کنار مفهوم قدرت، عزت ملی جایگاه ویژه‌ای در اندیشه‌های سیاسی به‌ویژه در جوامع شرقی و اسلامی دارد. عزت ملی به معنای منزلت، احترام و اعتبار یک ملت در نظام بین‌الملل است که با کرامت و شخصیت شهروندان در داخل کشور پیوند می‌خورد (Bar-Tal, ۲۰۱۳). عزت ملی نه تنها بازتابی از توان مادی و معنوی یک ملت است، بلکه بر احساس هویت جمعی و انسجام اجتماعی نیز اثرگذار است.

شاخص‌های قدرت و عزت ملی

اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، برای سنجش قدرت و عزت ملی، شاخص‌های گوناگونی پیشنهاد کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در چند دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

شاخص‌های مادی:^۳ شامل توان نظامی، منابع طبیعی، وسعت سرزمینی، جمعیت و توان اقتصادی است. رئالیست‌ها این ابعاد را اساس قدرت ملی می‌دانند (Morgenthau, ۱۹۴۸).

۱-Hard Power

۲-Soft Power

۳-Material Indicators

شاخص‌های غیرمادی^۱: که شامل موضوعاتی چون: انسجام اجتماعی، مشروعیت سیاسی، اعتماد عمومی و هویت ملی است. این عوامل به افزایش عزت و اقتدار درونی ملت کمک می‌کنند (Bar-Tal, ۲۰۱۳).

شاخص‌های علمی و فناورانه: توسعه علمی، نوآوری فناورانه و تولید دانش از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت در دنیای معاصر به‌شمار می‌آیند. (Nye, ۲۰۰۴)

شاخص‌های فرهنگی و ارزشی: شامل: جذابیت فرهنگی، زبان، ادبیات، و ارزش‌های سیاسی-اجتماعی از ابزارهای قدرت نرم هستند که در افزایش عزت ملی نقش ایفا می‌کنند (Nye, ۱۹۹۰)

شاخص‌های دیپلماتیک و بین‌المللی: توانایی یک کشور در ایجاد ائتلاف‌ها، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و ایفای نقش سازنده در حل بحران‌های جهانی، نشانه‌ای از قدرت و عزت آن در عرصه بین‌الملل است. (Morgenthau, ۱۹۴۸)

قدرت و عزت ملی، دو مفهوم درهم‌تنیده‌اند که مکمل یکدیگرند. قدرت، ابزار و ظرفیت‌های عینی و ذهنی یک کشور برای تأثیرگذاری در سطح جهانی است، درحالی‌که عزت ملی بیانگر اعتبار، احترام و منزلت آن کشور در نگاه جامعه‌ی جهانی و شهروندان خود است. کشورها برای حفظ و ارتقای جایگاه خود باید میان قدرت سخت، قدرت نرم و عزت ملی توازن برقرار کنند، چراکه تنها در این صورت می‌توانند در نظام بین‌الملل به طور پایدار و مؤثر ایفای نقش نمایند.

۳- بحث و بررسی

۳- ۱) اهمیت علم و دانش در قرآن و نهج‌البلاغه

^۱ Non-material Indicators

خداوند متعال، در سوره علق یا اولین سوره‌ای که بر حضرت محمد (ص) فروفرستاده ارزش علم و دانش را بازگو فرموده و بر تمام افراد بشر چنین منت گزارد است که در میان همه پدیده‌های هستی، وجود آنان را با علم و دانش مشخص و ممتاز کرده است (شهید ثانی، ۱۳۵۹). خداوند متعال دانشمندان و عالمان را برتر و بالاتر از همه‌ی رده‌های دیگر جامعه انسانی معرفی فرموده است و آنان را در قله تمام طبقات مردم قرار داده و امتیاز و ویژگی آنان را نسبت به سایر افراد بالاتر دانسته، می‌فرماید: «بگو آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ (هرگز) فقط خردمندانند که پند می‌گیرند» (زمر، آیه ۹).

در دین اسلام ارزش و جایگاه علم به اندازه‌ای است که خداوند به قلم یعنی ابزار مهم علم‌آموزی و نوشتن در قرآن قسم یاد می‌کند و در آیات و روایات مختلف مردم را به علم آموزش و فراگیری دانش‌های سودمند تشویق می‌کند و علم‌آموزی را یک وظیفه دینی قلمداد می‌کند؛ چرا که به واسطه علم، انسان قدرت و توانایی پیدا نموده و در مقابل سختی و مشکلات ایستادگی می‌نماید. همچنین در نهج‌البلاغه نیز در باب علم و دانش مطالب مختلفی عنوان شده که بسیاری از آن‌ها در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با عزت و اقتدار حکومت و کشور قرار دارند. نهج‌البلاغه عموم دانش‌های انسانی و مفاهیم اخلاقی و حکمت‌ها را در خود جایی داده است و امکان بهره‌مندی از یافته‌های علمی و غنای فرهنگی را برای مردم (اکبری، ۱۴۰۱) و حکومت‌ها آماده می‌سازد.

قرآن مکرر مردم را به فکر و تدبیر در احوال کائنات و به تأمل در اسرار آیات دعوت می‌کند. همچنین بعضی از احادیث رسول اکرم (ص) حاکی از بزرگداشت علم و علما و ضرورت فراگیری علوم از تمام نقاط جهان بود، احادیثی همچون «با آسودگی تن نتوان به دانش رسیدن» و یا «هر که برای دانش به سفر برخیزد به جهاد در راه خدا برخاسته است و اگر در راه کسب دانش، بمیرد شهید از جهان رفته است» باعث تشویق و ترغیب

بیشتر دانشمندان و دانش‌پژوهان برای کسب علم و دانش به مناطق مختلف می‌شد. مسافرت‌های علمی در جهان اسلامی از روزگار نخستین توسط مسلمانان آغاز شد. با فتح سرزمین‌های بیگانه، بسیاری از دانشمندان راهی مراکز علمی شدند و کانون‌های فرهنگی خود را در جاهای فتح شده، بنیان نهادند و مشغول تدریس علوم شدند (شبلی، ۱۳۶۱). خداوند در قرآن کریم نه تنها بندگان خویش را به علم‌آموزی تشویق می‌کند، بلکه آنان را به فراگیری علم از آگاهان و دانایان امر می‌کند و می‌فرماید: «پس اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید» (نحل، آیه ۴۳) خداوند متعال صاحبان علم و دانش و دانشمندان را در کنار نام خود و فرشتگان آسمانی یاد کرده و آنان را با چنین افتخاری سرافراز می‌کند و می‌فرماید: «خدا در حالی که برپا دارنده عدل است [با منطق وحی، با نظام متقن آفرینش و با زبان همه موجودات] گواهی می‌دهد که هیچ معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی می‌دهند که هیچ معبودی جز او نیست؛ معبودی که توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است» (آل عمران، آیه ۱۸).

دین اسلام برای علم و دانش ارزش فراوانی قائل شده و به همه مسلمانان دستور یادگیری و علم‌آموزی در تمام عمر را داده است. چنان که پیامبر (ص) فرموده است: «از گهواره تا گور دانش بیاموزید» (پاینده، ۱۳۸۲) و نیز درباره علم و عالم فرمود: «خداوند، ملائکه و انبیا طالبان علم را دوست دارند، و کسی جز افراد سعادت‌مند علم را دوست ندارد». (مجلسی، ۱۴۰۳)

پیامبر اکرم (ص) علم را سلاح در برابر دشمنان و مونس در هنگام وحشت می‌داند و خواص متعددی برای آن بیان می‌کند که از جمله آنان این است که: «دانش را فراگیرید زیرا؛ ۱- یادگرفتن آن حسنه، ۲- درس‌دادن آن تسبیح، ۳- بحث از آن جهاد، ۴- یاددادن آن به کسی که نمی‌داند صدقه، ۵- بذل آن به اهلش تقرّب به خداست، چون باعث دانستن حلال و حرام است، ۶- هدایت‌کننده به بهشت، کسی که آن را طلب کند او را به بهشت

هدایت می‌کند، ۷- مونس در هنگام وحشت، ۸- رفیق در هنگام تنهایی، ۹- راهنمای انسان در سختی‌ها، ۱۰- سلاح علیه دشمنان و ۱۱- موجب زینت برای دوستان است (شیخ صدوق، ۱۴۰۳).

در نهج‌البلاغه نیز حضرت علی (ع) در رابطه با علم و دانش و اثر آن در زندگی و قدرت و عزت، نکات فراوانی را متذکر شده‌اند که از جمله این سخنان، خطبه ۱۵۴ است که امام، علم بر عمل در آغاز هر کار را موفقیت و پیروزی و نهایتاً عزت دانسته‌اند و فرموده‌اند: «آنکه دیده دل او بیناست و عمل وی از روی بصیرت است، مرحله آغازین عمل او «علم» است. علم به این که عمل وی به سود اوست یا به زیان او. اگر به سود او بود بدان اقدام نموده یا آن را ادامه می‌دهد و چنانچه به زیان وی بود آن را انجام نداده یا متوقف می‌کند بر این اساس، آنکه بدون علم دست به کاری می‌زند مانند کسی است که بیراهه یا کژراهه را طی می‌کند که دوری وی از راه راست، جز بر دور شدن او از هدفش نخواهد افزود؛ و در مقابل، آنکه عالمانه به انجام کاری می‌پردازد نظیر شخصی است که صراط مستقیم را می‌پیماید» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۵۴) و لذا علم به عنوان چراغ راه و راهنمای انسان در عمل و اقدام است که منجر به موفقیت و پیروزی می‌گردد.

حضرت علی (ع) در سخنان دیگری دانش را بهتر از مال دانسته و آن را به عنوان محافظ انسان دانسته است و می‌فرماید: «ای کمیل! دانش بهتر از مال است؛ زیرا دانش تو را حفظ می‌کند، در حالی که تو باید مال را حفظ کنی....» (نهج‌البلاغه: حکمت ۱۴۷) و محرومیت از دانش را پست شدن می‌داند و بیان می‌دارد: «هرگاه خداوند بنده‌ای را پست شمرد، او را از دانش محروم می‌کند» (نهج‌البلاغه: حکمت / ۲۸۸).

علم و دانش پایه همه حرکت‌ها و سرچشمه قدرت سیاسی است که به واسطه علمی که فرد یا حکومت دارد، صاحب قدرت می‌شود (سنجولی و ابویسانی، ۱۳۹۷) و هنگامی که خداوند در قرآن کریم صفات «علیم» و «قدیر» را در کنار هم (شورا، آیه ۵۰) ذکر

می‌کند نشان از ارتباط عمیق میان علم و قدرت است که پیامدهای مهم در را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (سیدباقری، ۱۳۹۰) به عنوات ارکان مهم حکومت و حکمرانی به همراه دارد. همچنین مقام معظم رهبری (مدظله) علم را سلطه آور و جامعه علمی را صاحب قدرت و قدرتمند می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

۲-۳) نقش علم در عزت و اقتدار حکومت

در قرآن کریم به رابطه‌ی میان علم و قدرت، به صراحت پرداخته شده است و علم سرچشمه قدرت، دانایی و توانایی دانسته شده است. در سوره «نمل» آنجا که به ماجرای حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبا اشاره شده، پس از آن که حضرت سلیمان (ع) امر به حاضر کردن تخت ملکه سبا می‌نماید، دو نفر برای انجام این فرمان اعلام آمادگی کردند، در اینجا خداوند قدرت کسی را که از علم و دانش بهره‌مند بود، بیشتر از دیگری می‌داند. خداوند در قرآن آیه ۴۰ سوره نمل می‌فرماید: (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي ...) یعنی «اما کسی که دانشی از کتاب [آسمانی] داشت گفت: من پیش از آن که چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود ثابت و پابرجا دید، گفت این از فضل پروردگار من است...» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴).

علم و دانش و عالمان و دانشمندان به عنوان گنجینه‌های ارزشمند هر جامعه و از نقاط قوت، عزت و اقتدار حکومت محسوب می‌شوند و حضرت علی (ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر، خوب انجام شدن کارها و سر و سامان گرفتن امور که عاملی در جهت موفقیت، عزت و اقتدار است را، در گرو مشورت با عالمان و استفاده از علم و دانش آنان می‌داند و می‌فرماید: «برای تقویت عواملی که اوضاع سرزمین تو (مصر) را به سامان می‌آورد و پیش از تو کار مردم به وسیله آن عوامل درستی و سامان می‌گرفت، با دانشمندان و فرزندان بسیار به گفتگو و تبادل نظر بپرداز» (نامه / ۵۳). در این نامه حضرت علی (ع)

ضمن اشاره به ارزش و اهمیت علم و دانش و دارندگان آن (علما و دانشمندان) آن را باعث آبادانی و پیشرفت و موفقیت که خود عاملی در راستای اقتدار و عزت است می‌داند. رهبر معظم انقلاب (مدظله) نیز بین عزت ملی و پیشرفت علمی رابطه‌ای قوی قائل هستند و معتقدند: «عزت ملی در عرصه علم به این است که جوان دانشجو، پژوهشگر و عالم محقق، سعی کند مرزهای علم را درنوردد - همین چیزی که ما گفتیم نهضت نرم‌افزاری و تولید علم - و علم را تولید کند» (خامنه‌ای: ۱۳۸۸) و به واسطه علم و دانشمندان، پیشرفت علمی صورت گیرد و علم، عزت و اقتدار آورد. در تعبیر دیگر از مقام معظم رهبری (مدظله) آمده است: «علم به معنای واقعی کلمه قدرت است و «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ» نشان دهنده جایگاه علم در قدرت است. این شعر معروف «توانا بود هر که دانا بود» حرف درستی است. «توانا بود هر که دانا بود»؛ دانش برای یک کشور توانایی می‌آورد، اقتدار می‌آورد» (خامنه‌ای: ۱۴۰۰). علم در ایجاد و تقویت شاخص‌های قدرت و عزت نقش داشته و باعث افزایش آگاهی و دانش دفاعی و نظامی در راستای مقابله با دشمنان و حفظ امنیت است. با علم و فناوری‌های جدید، فنون پیشرفته، ابزارهای جدید، قابلیت‌های متعدد کشف و توان نظامی که مؤلفه‌ای از اقتدار و عزت است بالا می‌رود. برای نمونه می‌توان به حرکت کاملاً برنامه ریزی شده ایالات متحده آمریکا از تأسیس سازمان داریا^۱ یا سازمان پروژه-های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی اشاره نمود که تا به امروز نقش گسترده‌ای در تعامل عمیق بین رهبری نظامی آمریکا و رهبری فن‌آوری آن داشته است (National Research Council, ۲۰۰۹).

علم همچنین باعث ایجاد قدرت بالای اقتصادی و عدم آسیب‌پذیری به واسطه‌ی تحریم‌ها و تهدیدات اقتصادی می‌شود. پژوهش‌های انجام شده در نیمه دوم قرن ۲۰ م. نشان می‌دهد که علم به منزله نیروی مستقل و خودگردان در اقتصاد و در واقع منبع اصلی

۱ - Defense Advanced Research Projects Agency

قدرت اقتصادی تلقی می‌شود (King & Larijani, ۱۹۹۶). علم باعث ایجاد اقتصاد دانش‌محور، رقابت و تبدیل منابع به محصولات، رشد اقتصادی، تولید و بهره‌وری بیشتر و افزایش تولید ناخالص ملی در راستای عزت و اقتدار می‌شود.

تقویت بنیه فرهنگی، افزایش مراکز فرهنگی، علمی، هنری، تقویت و حفظ آداب و رسوم باعث افزایش قدرت فرهنگی کشوری می‌شود که در عرصه‌ی علمی تلاش کرده و سعی در افزایش دانش و علم جامعه خود داشته باشد. از این رو کشورها سعی می‌کنند با تولید علم و افزایش مراکز دانشگاهی و علمی، تهیه و تولید فیلم، موسیقی، نوشتن کتاب و سایر منابع فرهنگی، ضمن ترویج زبان علمی و رسمی خود و غنای هویت ملی خویش، نفوذ و عزت خود را افزایش دهند (Nye, ۲۰۱۰).

از دیدگاه امام علی (ع) علم در پیشرفت انسان امری مهم بوده که می‌تواند بر تعالی روح انسان اثر بگذارد و او نیز با علم و دانش خود خانواده را ساخته و جامعه را تعالی می‌بخشد و با اصلاح جامعه به مثابه حلقه‌ای در هم تنیده می‌تواند موجبات ترقی و اقتدار حکومت را فراهم آورد. علم و دانش در ایجاد و تقویت قدرت سیاسی که جزئی از عزت و اقتدار حکومت و کشور است، مؤثر بوده و به واسطه‌ی علم است که می‌توان روابط خود با دیگران در سیاست بین‌المللی را ارتقا و بهبود بخشید و در عرصه معاهدات و حقوق بین‌الملل دیپلماسی شایسته را به کار برد و عزت و اقتدار خویش را حفظ نمود. همچنان که به واسطه علم و دانش قدرت حفظ محیط و منابع و استفاده از توان جغرافیایی نیز افزایش می‌یابد و در کنار آن با علم و دانش، عوامل اجتماعی مانند انسجام و وحدت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و ... قدرت ارتقا و پالایش می‌یابد.

علم علاوه بر آنکه در مکتب اسلام و تعالیم قرآن و نهج البلاغه به عنوان یک موضوع مورد احترام و آرمانی دانسته شده است، منشأ قدرت است. یک ملت برای اینکه راحت با عزت و با کرامت زندگی کند به قدرت نیاز دارد. عامل اصلی که به یک ملت اقتدار

می‌بخشد، علم است. علم هم اقتدار اقتصادی و هم عزت و قدرت سیاسی ایجاد می‌کند که کرامت ملی را نیز به دنبال دارد.

در بیانیه گام دوم انقلاب نیز دانش و علم عامل عزت و اقتدار دانسته شده و رهبر معظم انقلاب (مدظله) فرموده‌اند: «دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد...» (بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸).

همگان می‌دانند که دانش قدرت و توانایی به همراه دارد و انسان به واسطه علم می‌تواند بر سایر موجودات و حتی دیگران سلطه پیدا نماید و به همین علت کشور و حکومتی در زمینه اقتدار، عزت و پیشرفت همه جانبه و مؤثر، موفق‌تر است که بتواند بهره بیشتری از علم و دانش داشته باشد و سرآمد علمی باشد تا زمینه‌ها و شرایط رشد و پیشرفت علمی که مایه عزت و اقتدار است، را فراهم نماید.

اگرچه در قدرت عناصر مختلفی اثرگذار بوده و قدرت از منابع متعددی^۱ سرچشمه می‌گیرد، اندیشمندان اذعان دارند علم و فناوری از نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای نسبت به سایر مؤلفه‌ها برخوردار است؛ زیرا علاوه بر تأثیر مستقیم و مستقل به صورت غیرمستقیم و باواسطه در اعمال سایر عناصر قدرت نیز از نقش برجسته‌ای برخوردار است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴) و سخن زیبا و تعبیر امام علی (ع) «العلم السلطان» به صورت مستقیم

۱- مانند منابع سیاسی، نظامی، علمی و فناوری، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی

و غیرمستقیم اشاره به نقش و جایگاه علم در پیشرفت و اقتدار فرد، جامعه و حکومت و کشور دارد.

برای آنکه یک حکومت در مسیر پیشرفت و ترقی قرار بگیرد، لازم است که به‌خوبی از علم و دانش بهره برده و ضمن آگاهی و شناخت منابع علمی و کشف حقایق نوین، به دستورهای قرآن و نهج‌البلاغه که سرشار از نکات فراوان در این خصوص است، عمل نماید. به واسطه علم و دانش است که رفاه و خوشبختی، افزایش تولیدات و توانمندی‌ها زیاد می‌گردد و حکومت اقتدار و عزت لازم را در مسائل داخلی و خارجی پیدا می‌کند و در مقابل ناآرامی‌ها و تهدیدات احتمالی سربلندی خویش را حفظ می‌کند؛ بنابراین ارتباطی مستقیم و بی‌واسطه بین علم و دانش و عزت و اقتدار حکومت وجود دارد و کشوری که سرآمد علمی از جوانب مختلف باشد، دارای عزت بیشتری نیز است و می‌تواند حکمرانی شایسته و مقتدری داشته باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش‌های علمی علم‌وفناوری در عرصه‌های مختلف قدرت سخت، نرم و هوشمند تأثیرگذار است و باعث توانمندی و افزایش قدرت و اثرگذاری در عرصه سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی است که تعیین‌کننده معادلات سیاسی و قدرتمندی در فضای پیچیده بین‌المللی است (موسوی زارع و همکاران، ۱۳۹۶).

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ازآنجا که عزت و اقتدار سرچشمه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و علمی دارد با هم‌افزایی و پیوند مشترک میان علم و این شاخص‌ها اقتدار نیز افزایش یافته و عزت حکومت ارتقا می‌یابد. بی‌شک عامل پیشرفت تمدن‌های بزرگ و از جمله تمدن اسلامی و قدرت کشورهای بزرگ ناشی از تولیدات علمی و توجه به علم و دانش بوده است و میان پیشرفت و عزت و اقتدار با علم و دانش رابطه و همبستگی قوی وجود دارد؛ زیرا در پرتو علم و دانش، انسان راه را از بیراه شناخته و علم و دانش به

عنوان نگهبان و محافظ انسان او را در مقابل خطرات و تهدیدات حفظ می‌کند. آن‌گونه که در نهج‌البلاغه حضرت علی (ع) علم را به عنوان چراغ راه و دانش را راهنما و نگهدارنده انسان می‌داند؛ لذا علم و دانش به عنوان گنجینه‌های ارزشمند جامعه و از نقاط قوت و عزت هر حکومت هستند. علم و دانش مؤلفه‌های مختلف قدرت و عزت را یاری رسانده و این مؤلفه‌ها در پرتو علم و دانش رشد یافته و می‌توانند عزت و پیروزی را برای حکومت به ارمغان آورند.

علم و دانش باعث افزایش قدرت در ابعاد مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری می‌شود و در پرتو علم و دانش، آگاهی‌های دفاعی و نظامی و ابزارهای جدید و توان نظامی در راستای مقابله با دیگران و حفظ تمامیت ارضی فراهم می‌گردد. همچنین علم باعث افزایش توان اقتصادی و عدم آسیب‌پذیری می‌شود. در مباحث فرهنگی و اجتماعی نیز علم و دانش باعث تقویت بنیه فرهنگی و ایجاد اتحاد و همبستگی اجتماعی، تقویت روابط و انسجام اجتماعی و در بعد سیاسی باعث افزایش توان دیپلماتیک و ایجاد روابط حسنه با دیگران می‌گردد. آن‌چنان که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز توسط رهبری جمهوری اسلامی (مدظله) نیز آمده است، علم و دانش آشکارترین وسیله عزت و اقتدار یک کشور و حکومت است و باید بیش‌ازپیش به ارتقای علمی و دانشی جامعه پرداخته شود تا ضمن پیشرفت، عزت و اقتدار حکومت نیز افزایش یابد.

باتوجه‌به آنچه گفته شد، لازم است ارزش علم و علم‌آموزی و احترام عالمان و دانشمندان در جامعه محوریت یابد و رسانه‌های مختلف با نهادهای مرتبط در راستای اهمیت‌دادن به علم و مشخص‌سازی ارتباط آن با عزت و اقتدار، بیشتر تلاش کنند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود مراکز علمی، نخبگان و دانش‌پژوهان و اعتبارات علمی و پژوهشی در این راستا افزایش یافته و همگان در این راستا تلاشی جهادی در پیش گیرند. بر اساس سخن امام علی (ع) که فرمودند: «العلم سلطان» پیشنهاد می‌شود تا سخنان این

بزرگواران و آیات قرآن در رابطه با علم و دانش بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گیرد و رشته‌ها و شاخه‌های مختلف علمی در راستای تقویت و همکاری با یکدیگر تلاش و کوشش نمایند و مسئولان زمینه‌های ایجاد تعامل و همکاری آن‌ها را فراهم سازند.

فهرست الفبایی منابع و مآخذ

الف- منابع فارسی و عربی

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۳۹۶)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی امیرالمؤمنین.

ابن ابی الحدید (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامة.

اکبری، عسگر (۱۴۰۱). علم سنجی فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ۱۰،

شماره ۳۸، صص ۹۳-۱۱۱.

بهنیا فر، احمد رضا (۱۳۸۸). آسیب شناسی فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه تولید علم در جهان امروز،

فصلنامه علوم اسلامی، سال ۴، شماره ۱۳.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)،

چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰). علم به معنای واقعی کلمه قدرت است، ارتباط تصویری با مردم آذربایجان

شرقی، ۱۴۰۰/۱۱/۸، قابل بازیابی در لینک زیر؛

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۱۱۵۸&npt=۸>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹)، بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). اصول و مبانی روابط بین الملل، تهران: سمت.

رحیمی راغب، مهین؛ قیم، بهادر (۱۳۹۴). جایگاه علم و علم آموزی در اسلام، فصلنامه جندی شاپور،

دانشگاه شهید چمران اهواز، سال ۱، شماره ۲، صص ۴۱-۵۰.

سعادت نیا، رضا؛ کریمی رکن آبادی، اصغر؛ عبدلی مهرجردی، حمیدرضا (۱۳۹۲). راهکارهای ارتقاء عزت

و اقتدار امت های اسلامی از منظر قرآن کریم (نقش تجربه و خردگرایی)، مجموعه مقالات هفتمین

همایش پژوهش های قرآنی، قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

سنجولی، دوست علی و ابویسانی، ملیحه (۱۳۹۷). نقش قدرت و اقتدار سیاسی حکومت های اسلامی در

شکوفایی تمدن نوین اسلامی، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، شماره پیاپی ۱۲، صص ۹۵-۱۱۶.

سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۰). ماهیت و مؤلفه های قدرت سیاسی از نگاه قرآن کریم، کتاب نقد، شماره

۱۳، صص ۶۷-۱۱۱.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). *نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه*، پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، سال اول، شماره ۲، ص ۱-۱۷.

شبلی، احمد (۱۳۶۱). *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران: فرهنگ اسلامی. شهید ثانی، زین‌الدین علی (۱۳۵۹). *منیه‌المدید فی آداب‌المقید و المستغید*، محمد باقر حجتی کرمانی، تهران: دفتر نشر و فرهنگ در اسلام.

شیخ صدوق؛ محمد بن علی بن حسین ابن بابویه (۱۴۰۳). *الخصال*، قم: جامعه مدرسین. عباسی دره‌بیدی، احمد، افضل، عاطفه (۱۴۰۲). *الزامات تحقق حکمرانی اسلامی با الهام از آموزه‌های دینی و سیره رضوی از نگاه نخبگان (یک مطالعه کیفی)*، فرهنگ رضوی، فرهنگ رضوی، در دست انتشار.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۶). *العلم و الحکمه فی الکتاب و السنه*، قم: دارالحديث. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). *رابطه علم و قدرت*، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی به نشانی زیر؛

<https://makarem.ir/main.aspx?lid=.&typeinfo=۴۲&mid=۳۵۹۲۵۸>

موسوی زارع، سیدجواد؛ زرقانی، سیده‌ادی؛ اعظمی، هادی (۱۳۹۶). *بررسی و تحلیل جایگاه علم و فناوری در قدرت ملی*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۳۳، شماره ۳، پیاپی ۱۳۰، صص ۹۰-۱۰۵.

نای، جوزف (۲۰۱۰). *قدرت نرم*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

ب. منابع لاتین

Chalmers, A. F. (۱۹۹۹). *What is this thing called science?* (۳rd ed.). Open University Press.

Dewey, J. (۱۹۳۸). *Logic: The theory of inquiry*. Henry Holt.

- Kuhn, T. S. (۱۹۶۲). *The structure of scientific revolutions*. University of Chicago Press.
- Merton, R. K. (۱۹۷۳). *The sociology of science: Theoretical and empirical investigations*. University of Chicago Press.
- Popper, K. (۱۹۵۹). *The logic of scientific discovery*. Routledge.
- Bar-Tal, D. (۲۰۱۳). *Intractable conflicts: Socio-psychological foundations and dynamics*. Cambridge University Press.
- Dahl, R. A. (۱۹۵۷). *The concept of power*. Behavioral Science, ۲(۳), ۲۰۱-۲۱۵.
<https://doi.org/10.1002/bs.3830020303>
- Morgenthau, H. J. (۱۹۴۸). *Politics among nations: The struggle for power and peace*. Alfred A. Knopf.
- Nye, J. S. (۱۹۹۰). *Bound to lead: The changing nature of American power*. Basic Books.
- Nye, J. S. (۲۰۰۴). *Soft power: The means to success in world politics*. Public Affairs.

The Effect of Science on the Dignity and Authority of the Government from the Perspective of the Quran and Nahjul-Balagha with an Emphasis on the Hadith of “Al-Ilm Al-Sultan”

Taybeh Zarei

Assistant Professor, Department of Teachings, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran

Sedigheh Mahdaviyanpour¹

Assistant Professor, Department of Teachings, Islamic Azad University, Dashtestan Branch, Bushehr, Iran

Date of Receipt: ۱۴/۰۳/۱۴۰۲

Date of Acceptance: ۰۵/۰۸/۱۴۰۲

Abstract

The value and position of science in the progress, authority and dignity of governments is not hidden from anyone, and the revelation of the first verses of the Quran regarding the study of knowledge shows the importance of knowledge in life. Science and knowledge are related to all aspects of life, and scientific excellence and movement within the boundaries of knowledge are the causes of greater power and dignity. In Nahjul-Balagha, knowledge is considered as one of the factors of dignity and authority. The aim of the present study, which was conducted in a descriptive-analytical design and with a library method, was to examine the effect and role of science on the dignity and authority of the government from the perspective of Nahjul-Balagha, with an emphasis on the Hadith of “Al-Ilm Al-Sultan”. The results showed that science and knowledge were the fundamental foundations and principles of the dignity and authority of the government, and in Nahjul-Balagha, Imam Ali (AS) considers knowledge and awareness as the factor of victory over the enemy, science as a tool of power, and the government is empowered in the military, political, economic, cultural, and social fields, in the light of science and knowledge, so that thereby to maintain and enhance its dignity and authority.

Keywords: Science and Knowledge, Al-Ilm al-Sultan, Dignity and Authority, Government, Quran and Nahj al-Balagha

¹ -Corresponding Author: Tayebah.zareie@iau.ac.ir